**کاظمین**

**مدیرزاده، محمود**

کاظمین شهری است بسیار کثیف وآلوده،شهرهای زیارتی عراق همه چنین‏ است اماکاظمین از همه جا گندناک‏ترست.مسافر خانه‏ها عموما و بطور کلی یک نواخت‏ است یعنی مطلقا کثیف و بدبوست.در بعضی اطاقها قالی‏هائی افتاده که از کثافت‏ چغر شده است اگر آتش سوزنده بر آن بیفکنی نمی‏سوزد.تار و پور آن را ماده‏ای‏ کرخ گونه فراگرفته است.

از مستراح‏هایش که نباید گفت.به نان و ماست باید ساخت زیرا دیگر غذاهایش را طبع نمی‏پذیرد-با اینکه نان و ماست و پنیرش هم خوب نیست-در صحن‏ و نجف و سرّ من رأی و نقاط دیگر دعوت می‏کنند،با صدای ناهنجار بوق ماشین‏ درهم می‏شود،اعصاب را سخت می‏فرساید.

شبها به‏تر از روزها نیست.صدای غرّش مانند ماشین‏هائی که مسافرین نو را می‏آورند و مسافرین کهنه را می‏برند خواب را از چشم می‏رماند و شخص را بی‏اختیار از رختخواب برمی‏انگیزد.سگ‏ها هم در شباهنگان بجوش وخروش‏ درمی‏آیند و معلوم نیست این همه سگ روزها کجا تشریف دارند؛

بر این همه هیاهوی درهم و ناهنجار که هیچگاه انقطاع نمی‏پذیرد بلندگوی‏ حرم که قرآن مجید را به انکر الاصوات تلاوت می‏کند-و حتّی چند دقیقه هم ازین‏ کار خیر غافل نه می‏ماند-افزوده می‏شود.

بوق زدن‏های بی‏جا در عراق گویا موجب تشخّص است که مردم شکوه و جبروت اتومبیل سوار را به بینند،این تشخّص در کاظمین به حدّ اتمّ نمایانده میشود بوق‏های متوالی و پرصدا بالائی برای اعصاب سامعه است که خدا نکند کسی بدین‏ بلا مبتلا شود.

از گدایان سمج دیگر نباید گفت،در هر قدم انواع و اقسام ازین زمرهء شریف‏ هستند:جاروکش،سقّا،قرآن‏خوان،فالگیر،و غیره و غیره،کفش‏دارها و زیارت‏نامه خوان‏ها که جای خود دارند.در هیچیک از اعتاب مقدّسه با دل فارغ‏ زیارت نه می‏توان کرد.دورتادور هر ضریح چند گردن کلفت و قیح ایستاده‏اند،یکی‏ شمع میفرشد،یکی رشنه‏های باریک سبز رنگ را که صاحبان حاجات به ضریح ببندند.. یکی زیارت بالای سر میخواند یکی زیارت پائین پای،یکی بوسیدن قفل را امر میکند....باری از گدابازی معرکه‏ای است.در حرم حضرت حسین در مزار علیّ اکبر،نرگدای جوانی است که نظیر او را در هیچ جای دنیا نمی‏بینید،از هیچ‏ گونه رذالت و ناسزا گفتن خودداری نمی‏کند و من اطمینان دارم که چنین افرادی‏ به هیچگونه مبادی مذهبی اعتقادی ندارند و متعجّب میکنم که اینها چه وقت استراحت‏ می‏کنند و گرچه دقایقی چند باشد.

در قم و مشهد هم گدایانی هستند امّا دیگر در پیرامون قبر خیمه و خرگاه‏ برپا نمی‏کنند و شخص زائر میتواند با حضور قلب زیارت‏نامهء مأثوره را بخواند. پول‏هائی که مردم بدبخت نذر می‏کنند و در قبور می‏افکنند،به یک طرفة العین‏ برچیده میشود.کاش این گدایانبه راهنمائی دولت شرکتی منظم می‏داشتند و زائر را بحال خود می‏گذاشتند و تعیین میکردند که در هربار زیارت چه مبلغ‏ باید داد تا لا اقل محیط مضاجع از آلودگی‏های تکدّی منزه می‏بود.

اگر خداوند توفیق بخشید و به کاظمین رفتید به همان یک بار زیارت‏ بسنده کنید و جز از چند ساعت در آنجا نمانید،و مطمئن باشید اگر چندی در کاظمین‏ بمانید یا بیمار می‏شوید یا دیوانه.....